

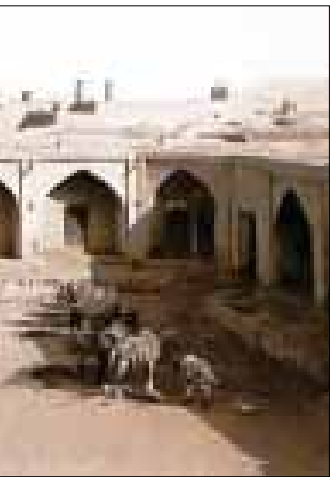
میراث نامه

۱۲۶ سال پیش تهران ۱۳۰ کاروانسرا داشت

■ نتایج اولین سرشماری شهر تهران که در سال ۱۲۶۴ هجری شمسی یعنی ۲۰ سال بعد از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه صورت گرفت نشان می‌دهد این شهر در آن تاریخ ۱۳۰ کاروانسرا داشت. حال با گذشت ۱۲۶ سال از آن تاریخ تعداد کاروانسراهای بازمانده کمتر از اندازه‌انگشتان دست شده‌است.

آن گونه که در کتاب کاروانسرا در ایران نوشته سعید هادی‌زاده‌کاخکی آمده‌ است کاروانسرا از مهم‌ترین یادگارهای معماری ایران است که جهت اسکان موقت و استراحت کاروانیان در مسیر راه‌ها ایجاد شده و تحت تاثیر تحولات اخیر در عرصه حمل و نقل کارایی خود را از دست داده‌ است و تبدیل به مخروبه شده‌ است. کاروانسراها علاوه بر اینکه مکانی جهت رفاه کاروانیان بود، به این علت که مردمانی از سبزرزمین‌های مختلف را هرچند برای مدت کوتاهی در خود جمع می‌کرد، دارای کارکرد اجتماعی نیز بود. این اجتماع باعث می‌شد کاروانسراها تبدیل به محلی برای برخورد و تبادل آرا و اندیشه‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و… اقوام مختلف‌باشد.

براساس منابع تاریخی، پیشینه کاروانسرا در ایران به دوره هخامنشیان می‌رسد. چنانچه هسروتوت مورخ یونانی نوشته‌است که مقیاس راها «بر سنگ» بوده‌ است و به مسافت هر چهار «بر سنگ» منزلی تهیه شده و در آنها میهمان خانه‌های خوب دایر شده‌ است. در دوره‌ای از تاریخ ایران کاروانسراها رونق و گسترش پیدا کرده‌اند که کشور دارای حکومتی مرکزی و مقتدر بوده‌ است



که ایمن خود باعث ایجاد امنیت در راه‌ها و در نتیجه گسترش حمل و نقل شده و اسباب ساخت کاروانسراهای بین راهی را هر چه بیشتر از پیش فراهم می‌کرده‌ است.

افزایش ضریب امنیت و انگیزه‌های بازرگانی در دوره صفوی به خصوص دوره شاه عباس موجبات رشد قابل توجه تعداد کاروانسراها در ایران را فراهم کرد.چنانچه مشهور است که شاه عباس فرمان داده است ۹۹۹ کاروانسرا در ایران ساخته شود، بنابراین در عصر صفوی از می‌توان دوران طلایی احداث کاروانسراها در ایران دانست.

البته در ایران محل ساخت کاروانسرا تنها به جاده‌ها محدود نبود و در اکثر قریب به اتقاق شهرها نیز کاروانسراهایی برای استقبال از کاروان‌هایی که وارد شهر می‌شدند ساخته می‌شد. در بافت شهرهای قدیم کاروانسرا به همراه حمام، مسجد و بازارچه از عناصر منسثرکی بود که در بیشتر محلات یافت می‌شد. در واقع، وجود این عناصر چهارگانه به محلات شهرهای ایرانی هویت ویژه و پراهمیت می‌بخشید و به همین دلیل نیز صاحبان و سازندگان این بناها تلاش می‌کردند در معماری آنها از نهایت هنر و خلاقیت بهره ببرند. تهران به عنوان پایتخت ایران نیز از بدو انتخاب به عنوان مرکز کشور یکی از اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین محل تردد کاروان‌ها و تاجران و بازرگانان بود. وقتی اولین سرشماری در شهر تهران انجام گرفت مساحت تهران تقریبا پنج کیلومتر بود و این شهر به پنج محله ارگ، عودلجان، چال میدان، سنگلج و بازار تقسیم شده بود. همه محلات خارج از شهر نیز به عنوان یک محله در نظر گرفته شده‌ است.

مطابق همین آمارگیری که در سال ۱۲۶۴ هجری خورشیدی برگزار شد شهر تهران ۱۳۰ کاروانسرا برای خدمات‌رسانی به کاروان‌های واردشده به پایتخت داشت. بخش عمده‌ای از این کاروان‌ها متعلق به تجار و بازرگانانی بود که از شهرها و حتی کشورهای مختلف همسایه کالاهایی را برای فروش به بازار تهران می‌آورده و در عوض آن نیز هنگام برگشت کالاهای دیگری را به شهرهای محل زندگی خود می‌بردند.

علاوه بر این بر اساس نتایج آن سرشماری شهر تهران ۴۷ مسجد، ۲۵ مدرسه، ۲۴ تکیه، ۱۷۰ ناولایی، ۱۹۰ حمام عمومی، ۲۰ سرداب، ۷۰ کوره‌پزخانه و ۲۷۷ اصطبل داشت، حالا با گذشت ۱۲۶ سال از آن تاریخ در روند توسعه شهر تهران نه از آن محله‌ها اثری مانده‌ است و نه از این بناهای تاریخی، بخشی از آنها نیز که همچنان باقی مانده است تحت عنوان بافت فرسوده شناخته می‌شود و محل تجمع معاندان و افراد ولگرد است.

شهرداری تهران به عنوان متولی شهر نیز هرروزه بخش‌هایی از این بافت تاریخی را تحت عنوانی همچون نوسازی و مقاومسازی تخریب کرده و جای آن ساختمان‌های نوساز بنا می‌کند.

دفن ارزش‌های تاریخی ارگ انار زیر مرمت غیراصولی و تعرض شهرداری به حریم در جه یک ارگ

رنج‌های ارگ انار

محمدرضا نسیب‌عبداللهی



بخش‌بخش

خارجی آن مشاهده کرد. باید تا قبل از اینکه این آموذ کاهگلسی که به عنوان مرمت روی این اثر قرار می‌گیرد و در واقع دارد این اثر را تخریب می‌کند، بتوان آن را مورد مطالعه قرار داد و مستندنگاری کرد تا ارزش ویژه این قلعه را نسبت به آثار مشابهش نشان دهد»

قدمت ارگ
به گفته علیرضا جعفری‌زند «ویژگی‌هایی که در ارگ انار وجود داره، بیشتر به دوره ساسانی شبیه است تا دوره پیش از ساسانی.»

جعفری‌زندگفت:«متأسفانه یک مرمت غیراصولی تمام اینها را یکنواخت کرده است. یعنی دیگر این ویژگی‌های دوران مختلف در دیوارهای ارگ دیده نمی‌شود. یعنی به جای مرمت، تعمیر و نوسازی شده‌است»
این باستان‌شناس ادامه داد: «ما یک الگویی در ارگ بم داشتیم که برای دیوارهای بیرونی آن حدود ۴۰ سال پیش به کار رفته بود که الان همان روش را در ارگ انار به شکل ناشیانه‌ای اجرا کرده‌اند یعنی بنا را نو کرده‌اند.»

وی با اشاره به اینکه ارگ انار قبل از مرمت‌ها، باید لایننگاری شود، افزود: «وقتی مرمت انجام شود امکان دستیابی به قسمت‌های قدیمی مشکل‌تر می‌شود.»

علیرضاجعفری‌زنداراز امیدواری کرد تا ارزش‌های تاریخی این اثر به نمایش گذاشته شود و زیر نوسازی مدفون نشود. وی گفت: «من فکر می‌کنم به این ارگ باید از دید مرمتی توجه شود و یک مطالعه باستان‌شناسی در راستای آن انجام شود. ضمن اینکه‌طرح مرمتی باید بر اساس این‌کوش‌ها انجام شود که اصالت بنا حفظ شود»

ویژگی‌های ارگ انار

جعفری‌زند درباره ویژگی‌های این ارگ گفت: «در ارگ انار شواهدی وجود دارد که نام‌نومنه‌های مشابه آن را در قلعه‌های تاریخی کمتر داریم، یعنی در این ارگ می‌توانیم لایه‌های را مشاهده کنیم که نمونه آن را من در جاهای دیگر کمتر دیده‌ام.»
این باستان‌شناس ادامه داد: «باید یک گمانه‌زنی و یک کوش باستان‌شناسی چه درون ارگ و چه بیرون آن برای شناسایی لایه‌های تاریخی انجام شود.»

وی افزود: «در دیوارهای بیرونی این ارگ آثار ری مشاهده کردم که دوره متاخرتری داشت. الان مثلا ما ارگ بم را که نگاه می‌کنیم، آن دیوارهایی را که قبل از زلزله بم باقی مانده بودند، به نظر می‌رسید متعلق به یک دوره خاص بوده است‌ اما دیوارهای ارگ انار نشان می‌دهد که ما حتی در جبهه‌های بیرونی‌اش هم می‌توانیم دوره‌های مختلف را مشاهده کنیم. چون در هر دوره‌ای که قلعه‌ها بازسازی می‌شدند، سعی می‌کردند بیرون آن را به صورت یکنواخت مرمت کنند اما در ارگ انار مشاهده می‌شود که در دوره‌هایی که آن را مرمت کرده‌اند، آثار قدیمی را حفظ کرده‌اند و فقط بازیبایی سطحی روی آن انجام داده‌اند. این یکی از ویژگی‌های مهم این قلعه است. چون ما قلعه‌هایی داریم مثلا قلعه بیرجند و امثال آنکه آمدمان آن را نوسازی کرده‌اند که یک دوره مشخص را نشان می‌دهد.»

این استاد‌اندیشه‌گاه گفت: «ارگ انار ویژگی‌ها بزرزترش این است که می‌توان دوره‌های مختلف را حتی در دیوارهای



گزارش خبری

صدور مجوز حفر چاه در منطقه باستانی سرمشهد

■ خبرگزاری میراث: محوطه باستانی سرمشهد در شهرستان کازرون با مساحتی حدود ۶۰۰ هکتار به عنوان بزرگ‌ترین محوطه ساسانی – اسلامی استان فارس شناخته می‌شود. در این محوطه ویرانه‌های شهر باستانی، تل نقاره‌خانه، قیزقلعه، کاروانسرا یا کوشک بهرام و رشته قنات‌های تاریخی کشف شده است، با این حال اداره میراث فرهنگی این شهرستان با درخواست صدور مجوز برای حفر چاههای عمیق برداشت آب در محدوده این محوطه باستانی موافقت کرد. خبرگزاری میراث فرهنگی: منطقه باستانی سرمشهد در فاصله ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان کازرون و شش کیلومتری دهستان سرمشهد واقع است.ویژگی‌های زیادی، محوطه باستانی سرمشهد را نه فقط در منطقه جنوب بلکه در سطح کشور، بی‌نظیر کرده است. وسعت زیاد محوطه نشانگر رونق و شکوه آن در زمان حیاتش بوده و وجود قلعه‌های گوناگون در اطراف آن اهمیت حفاظت و امنیت در دوران شکوه شهر می‌رساند. تپه‌های گوناگونی در سطح شهر پراکنده است و نظام معماری و شهرسازی منظم و سیستماتیک از جمله این مولفه‌هاست.

به باور کارشناسان، این منطقه بکر می‌تواند به عنوان یکی از مراکز مطالعاتی مهم در دوره ساسانی و اسلامی تبدیل شده و در صورت انجام مطالعات باستان‌شناسی و رفع ابهام‌های موجود در مورد جزئیات و ویژگی‌های تاریخی آن، محوطه باستانی سرمشهد بسا توجه به خصوصیات منحصربه‌فرد خود حتی شایستگی ثبت در فهرست آثار جهانی را در آینده داراست.

با این وجود اما اداره آب شهرستان کازرون با صدور مجوز حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در این محوطه باستانی شرایط را برای تخریب بیش از پیش آن فراهم کرده است، عجیب آنکه اداره کل میراث استان فارس و شهرستان کازرون نیز موافقت خود با این اقدام را اعلام کرده است.

یکی از کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی استان فارس که به دلیل ممنوعیت‌های اداری حاضر به اعلام نام خود نیست در این‌باره به خبرگزاری میراث می‌گوید: متأسفانه مدیریت میراث فرهنگی در فارس دارای چالش‌های متعددی است که فرصت‌های آینده و زحمات گذشتگان را دچار آسیب می‌کند. حضور مدیران ناکارآمد در میراث فارس موجب شده تا کارشناسان با فرارگیری در موقعیت کسب فرصت‌های طلایی مصالح سازمان را با چالش روبه‌رو کند؛ حضوری که با بی‌حضور ی سازمان تنها موجب تخریب آثار متعدد تاریخی و فرهنگی است. عدم توجه به زیرساخت‌های علمی و کارشناسی از میراث فارس موجب ارزشی شدن یک حرکت ضد ارزشی شده و سبقت هر یک از کارشناسان در این امر موجب پیشرفت شغلی و در کانون توجه قرار گرفتن فرد است. وی می‌افزاید: «به‌طور مثال طی چند روز پیش نصدری معاون میراث فرهنگی فارس در جمع کارشناسان باستان‌شناسی استان در جلسه‌ای که بحث اصلی آن اختلاف میان کارشناسان در مورد صدور مجوز جهت حفر چاه‌های عمیق و در نتیجه تصرف عرصه شهر تاریخی سرمشهد بود، گفت رویکرد سازمان به شکلی است که هر چه مسائیل محل اختلاف میراث و دیگر سازمان‌ها و مردم مورد حل و فصل قرار گیرد بهتر است و بهتر آن است که کارشناسان این نکته را مورد توجه قرار داده و در این راستا حرکت کنند.

این کارشناس اداره کل میراث استان فارس تأکید کرد: «حال این سؤال مطرح است که وظیفه سازمان میراث فرهنگی حل و فصل چگونه مسائلی است؟ آیا تخریب محوطه‌های باستانی به نفع کشاورزان و ساکنان محلی محوطه‌هاست؟ به اعتقاد من جواب این پرسش تنها در ناکارآمدی مدیران سازمانی است که موجب نزول منعت گردشگری و تخریب میراث فرهنگی کشور شده‌اند. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که تخریب محوطه‌های باستانی چیزی جز از میان بردن زیرساخت‌های توسعه پایدار را به همراه ندارد. مگر عمر یک چاه عمیق با توجه به رویکرد محیط زیستی ما چندسال خواهد بود که باید به خاطر آن دستورات تخریب و تصرف محوطه‌های باستانی و چندهزارساله را صادر کرد»

وی می‌افزاید: «عدم اطلاع کافی و فقدان دیدگاه عمومی در حخط زیرساخت‌های ملی در میان ساکنان محوطه‌های تاریخی فرهنگی و عدم کارآمدی مدیران میراث فرهنگی فارس موجب تسریع تخریب روزافزون منابعی شود که صاحبان آن نه مدیران و نه مردمی‌است که نزدیکی این محوطه‌ها زندگی می‌کنند، هستند بلکه همه ساکنان کشور ایران هستند.»

مجوز حفر چاه در منطقه باستانی سرمشهد با موافقت مسوولان اداره میراث فرهنگی استان فارس در حالی صادر می‌شود که در سال ۱۳۸۵ بررسی روشمند سفال‌های سطحی شهر باستانی سرمشهد زیر نظر مسعود آرتوئوش و امان‌الله یغمایی انجام گرفت که هدف آن شناخت دوره‌های استقرار محوطه باستانی سرمشهد و همچنین شناسایی سفالینه‌های سطحی محوطه و روند تحول آنها و آزمایش کاربری بررسی‌های روشمند در محوطه‌های تاریخی – اسلامی بود. در این بررسی مشخص شد سفال‌های سطحی محوطه که اغلب تکه‌های شکسته ظروف هستند، شامل سفال‌های ساسانی از انواع ظرف و خشن بوده و دارای تزیینات جایگاه نگهداری استخوان است. استوان حفره‌هایی بوده که در دوران تاریخی به صورت‌های منظم و چهارضلعی یا بدون ترتیب و ساده‌تر درون کوه ایجاد می‌شده و استخوان‌های مردگان در آن قرار می‌گرفته و سپس دهانه آن مسدود می‌شده است. دلیل تغییر نام ابان به انار هنوز مشخص نیست و هیچ روایت معتبر و مستندی درباره این تغییر نام وجود ندارد. «ابن خردادبه» نیز در کتاب المسالک و الممالک از این منطقه به عنوان «قره ابان» نام برده است. در کتاب معجم‌البلدان نیز به نام ابان اشاره شده است.

مهدی (قاجار) و یحdan (قاجاریه)» بخشی از آثار تاریخی شهرستان انار هستند که در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده‌اند. با وجود بیش از ۲۰ اثر ثبت شده تاریخی در شهرستان انار، نمایندگی میراث فرهنگی و گردشگری این شهر چند سال پیش تعطیل شد. در حال حاضر نیز فقط یک یگمان حفاظت میراث فرهنگی در این شهرستان وجود دارد که در مدرسه تاریخی سعدی مستقر است.

با تعطیلی نمایندگی میراث فرهنگی و گردشگری انار، اکثر بناهای تاریخی این شهر به حال خود رها شده‌اند و هیچ برنامه‌ای برای محافظت یا مرمت اصولی آنها وجود ندارد. در حریم بسیاری از این آثار تاریخی، ساخت و سازهای جدید در حال انجام است و اگر وضع همین گونه پیش رود، این آثار تاریخی به شدت از نظر «حریم و ایستایی» آسیب جدی خواهند دید.

در همین حال چندین اثر تاریخی انار به زباله‌دانی تبدیل شده و داخل آنها زباله‌ها و حتی سرنگ‌هایی که از سوی معاندان برای تزریق استفاده شده، مشاهده می‌شود. یحسان انار تاریخی انار که در وضعیت «مضطرب» قرار دارد، قلعه داوودآباد با سه هزار و ۷۴ مترمربع مساحت است؛ این قلعه صفوی که کاربرد نظامی داشته، در میان باغ‌های پسته قرار گرفته و آبیاری این باغ‌ها باعث نفوذ رطوبت به آن شده است.

به توجیهی به آثار تاریخی در چند سال اخیر شدت بیشتری پیدا کرده و ممکن است که تغییر و تحولات بی‌دری در سازمان میراث فرهنگی در این بی‌توجهی‌ها نقش داشته باشد.

نام اوستایی قدیم شهر انار

شهرستان انار یکی از شهرهای کهن ایران است که در شمال استان کرمان قرار گرفته است. این شهر بر پایه نقشه‌های موجود از ایران قدیم (Persia)، دست‌کم تا پایان دوره زندیه «ابان» یا «آبان» نام داشته است. یکی از این نقشه‌ها که یک کارتوگراف فرانسوی به نام «ریگوبرت بون» در سال ۱۷۷۱ میلادی از ایران طراحی کرده، نشان می‌دهد که نام آن‌ دست‌کم تا ۲۴۰ سال پیش هنوز ابان بوده است.

با توجه به اینکه مردم ساکن در مناطق یزد و کرمان عمدتاً زرتشتی بوده‌اند، بدون تردید می‌توان نام قدیم انار یعنی ابان را برگرفته از «آبان یشت»، پنجمین یشت (قصیده) و یکی از کهن‌ترین یشت‌های اوستا دانست. آبان یشت از نظر ترتیب یشت، پنجم و از لحاظ تفصیل پس از فروردین‌یشت و مهریشت قرار دارد و سومین یشت بزرگ اوستا به شمار می‌آید. نام ابان به دلیل تقدسی که اوستا در گذشته‌ها داشته به عنوان اسم زنان نیز استفاده می‌شده است. به عنوان نمونه «آبان دخت» دختر «مک» در دوران ساسانیان با آبان دخت، همسر داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی که نام‌شنان از «آبان یشت» برگرفته شده است. نام قدیم شهر انار نیز بر پایه همین تقدس اوستا، ابان بوده است.

در کتیبه‌های یافت شده به خط بهلولی در ایران، کتیبه‌ای که اکنون به «کتیبه کازرون الف» موسوم است، یافت شده که از کتیبه‌های اواخر دوران ساسانیان است. این کتیبه در جنوب کازرون، میان بالاده و دره میدانک، روی خرابی در کنار یک دخمه حکاکی شده و یادبود «آبان دخت»، زن ساسانی است.

در هفت سطر نوشته شده است. در این کتیبه آمده است: «این استودان از آن بهشتیهر، آبان دخت، دختر رمک فرخ‌دینان است.»استودان یا ستودان که از دو بخش استوا (استخوان) و دان (جایگاه) تشکیل شده به معنی جایگاه نگهداری استخوان است. استودان حفره‌هایی بوده که در دوران تاریخی به صورت‌های منظم و چهارضلعی یا بدون ترتیب و ساده‌تر درون کوه ایجاد می‌شده و استخوان‌های مردگان در آن قرار می‌گرفته و سپس دهانه آن مسدود می‌شده است.

دلیل تغییر نام ابان به انار هنوز مشخص نیست و هیچ روایت معتبر و مستندی درباره این تغییر نام وجود ندارد. «ابن خردادبه» نیز در کتاب المسالک و الممالک از این منطقه به عنوان «قره ابان» نام برده است. در کتاب معجم‌البلدان نیز به نام ابان اشاره شده است.